

به نام خدای مهربان

بانک سوالات امتحانی
پایه دهم
رشته تجربی و ریاضی

مجموعه کتاب‌های
پرسوال

دین و زندگی ۱

با خیال راحت (۲۰) شو!

زهرا جعفری یزنی • سید هادی هاشمی

• برای دریافت محتوای
آموزش تکمیلی
این کد رو اسکن کن.



فهرست

بخش اول:

تفکر و اندیشه



- درس ۱: هدف زندگی ۶
- نمونه سؤالات امتحانی ۱۰
- درس ۲: پر پرواز ۱۵
- نمونه سؤالات امتحانی ۱۸
- درس ۳: پنجره‌ای به روشنایی ۲۲
- نمونه سؤالات امتحانی ۲۴
- درس ۴: آینده روشن ۲۹
- نمونه سؤالات امتحانی ۳۲
- درس ۵: منزلگاه بعد ۳۷
- نمونه سؤالات امتحانی ۳۹
- درس ۶: واقعه بزرگ ۴۳
- نمونه سؤالات امتحانی ۴۵
- درس ۷: فرجام کار ۵۰
- نمونه سؤالات امتحانی ۵۳

بخش دوم:

قدم در راه



- درس ۸: آهنگ سفر ۶۰
- نمونه سؤالات امتحانی ۶۳
- درس ۹: دوستی با خدا ۶۷
- نمونه سؤالات امتحانی ۷۰
- درس ۱۰: یاری از نماز و روزه ۷۵
- نمونه سؤالات امتحانی ۷۹
- درس ۱۱: فضیلت آراستگی ۸۴
- نمونه سؤالات امتحانی ۸۶
- درس ۱۲: زیبایی پوشیدگی ۹۰
- نمونه سؤالات امتحانی ۹۲

بخش سوم:

آزمون‌ها



- آزمون‌های نوبت اول ۹۶
- آزمون‌های نوبت دوم ۱۰۰

بخش چهارم:

پاسخنامه

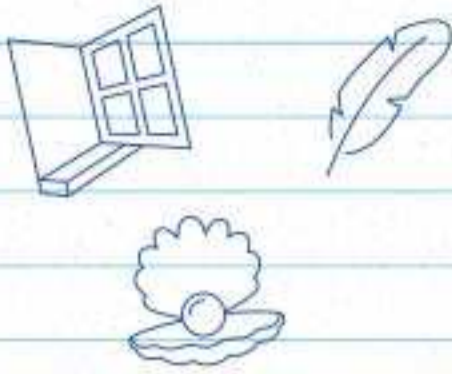


فلش کارت



درس چهارم

آینده روشن



مشاوره: این درس یک مبحث استدلالی، در مورد قطعیت معاد، امکان معاد و ضرورت معاد می‌باشد. همچنین شعر مطرح شده در درس و آیات بسیار مهم است که به توجه ویژه و نشانه‌گذاری نیاز دارد. ضمناً تیتربندی‌های مربوط به استدلال‌های ضرورت معاد و امکان معاد را حفظ کنید و از آیاتی که ترجمه فارسی شده‌اند نیز غافل نشوید. لازم به ذکر است که مباحث حکمت الهی، و عدل الهی، از پرسوال‌ترین مباحث امتحانات بوده است.

مقدمه: پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر (معاد و سرای جاویدان) در جهان آخرت می‌دانند.

ایشان، ایمان به زندگی در جهان دیگر را در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند.

عکس‌العمل مردم در برابر دعوت پیامبران:

در مقابل دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، گروهی به آن ایمان آورده‌اند و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده‌اند. (بیانگر اختیار انسان)

پیامبران الهی، نه تنها امکان وجود جهانی دیگر را اثبات می‌کردند، بلکه با استدلال‌های مختلف وجود آن را ضروری می‌دانسته‌اند. (استدلال‌های پیامبران هم در حوزه امکان و هم در حوزه ضرورت معاد بوده است.)

برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم: دفع خطر احتمالی

دفع خطر احتمالی

انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی (نه یقین به وقوع خطر) در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. (دفع ضرر محتمل)

در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغگو، که در شرایط عادی گفته او برایمان اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد، مثلاً خبر از وجود سمی در غذای ما بدهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم.

همه ما در این‌گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است.»

حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟

آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست (قطعی‌ترین خبرها، خبر از معاد و زندگی جاودانه است).

پیامبران عاقل‌ترین و راستگوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند.

به عنوان مثال حتی مشرکین و کافرین نیز پیامبر اکرم (ص) را به عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند.

پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر داده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

همه آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. (تقدم خبر از توحید بر خبر از معاد توسط پیامبران)

در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است. (تقدم توحید بر معاد در قرآن کریم)

اگر به فرض در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای

کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پذیریم، چگونه می‌توانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی‌توجهی از کنار این

خبر بگذریم؟ قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند:

(سوره نساء آیه ۱۸۷)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست. او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند که شکی در (وقوع) آن نیست و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟

پیام‌ها: ۱) تأکید قرآن بر وقوع معاد و قطعیت آن ۲) علت نبودن شک در وقوع قیامت، راستگو بودن خداوند است.

بنابراین سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است (علت: زیرا معاد بخشی قطعی از زندگی آینده ماست، زندگی‌ای که برخلاف زندگی دنیا که کوتاه و گذرا است، جاوید و ابدی خواهد بود.)

عطار نیشابوری

مقالی گویمت ظاهر، بپندیش
اگر طفلی بدو گوید بیارام
چو از طفل آن سخن دارد شنیده
تو را چندین پیمبر کرده آگاه
به گفت طفل جستی راه پرهیز
کسی را هست جامی پر عسل پیش
که زیر این عسل زهر است در جام
بلاشک دست از آن دارد کشیده
که خواهد بود کاری صعب بر راه
به گفت اثبیا از خواب برخیز

پیام‌ها: ضرورت دفع خطر احتمالی بر اساس قانون عقلی

استدلال‌های قرآن کریم در مورد معاد

دلایل و استدلال‌های قرآن درباره وقوع معاد

الف) استدلال‌های امکان معاد

- ۱) اشاره به پیدایش نخستین انسان
- ۲) اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان
- ۳) اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

ب) استدلال‌های ضرورت معاد

- ۱) بر اساس حکمت الهی
- ۲) بر اساس عدل الهی

با توجه به اهمیت بحث معاد، قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده، بلکه بارها با دلیل و برهان آن را اثبات کرده است.

دلایل قرآن در این زمینه را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

- دسته اول: دلایلی هستند که «امکان معاد» را ثابت می‌کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می‌دهند.
- دسته دوم: استدلال‌های «ضرورت معاد» را به اثبات می‌رسانند و تحقق آن را لازم می‌دانند.

الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند

یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای معاد را انکار کنند، این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می‌بینند، به انکار آن می‌پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. از این رو، قرآن کریم یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می‌کند و دلایل و شواهد زیادی می‌آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست: مانند:

۱. اشاره به آفرینش نخستین انسان

در برخی آیات قرآن خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می‌کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می‌دهد. در این آیات بیان می‌شود که همان‌گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می‌تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

(سوره یس آیات ۷۸ و ۷۹)

«و برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آن‌ها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی داناست.»

پیام‌ها: اشاره به پیدایش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

۲. بیان نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان

قرآن برای اینکه قدرت خدا را به صورت محسوس‌تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آن‌ها به اراده خداوند مردگانی زنده شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ماجرای عذیر نبی (ع) اشاره کرد:

عذیر (ع)

عذیر (ع) یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. او در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می‌کرد. استخوان‌های متلاشی و پوسیده ساکنان آن روستا از لابه‌لای خرابه‌ها پیدا بود. با دیدن این استخوان‌ها این سؤال در ذهن عذیر (ع) شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه این‌ها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد. خداوند خطاب به او گفت: «ای عذیر، چه مدت در این بیابان خوابیده‌ای؟» عذیر گفت: «یک روز یا نصف روز» خداوند فرمود: «تو صد سال است که اینجا هستی. به‌الاهی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و ببین چگونه الاغ پوسیده و متلاشی شده؛ اما غذایت پس از صد سال سالم مانده و فاسد نشده است و اینک ببین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شده الاغ را دوباره جمع‌آوری و زنده می‌کند» عذیر (ع) به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: «می‌دانم که خدا بر هر کاری تواناست.»

پیام‌ها: اثبات امکان معاد از طریق اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان



تذکر: خداوند در آیات سوم و چهارم سوره قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند، می‌گوید:

«نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول درمی‌آوریم، بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم.»
به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سر انگشتان اشاره می‌کند؟

پاسخ: زیرا خطوط سر انگشتان دست انسان‌ها به‌گونه‌ای خلق شده است که سر انگشتان هیچ انسانی با دیگری یکسان نیست و از همین رو از اثر انگشت به عنوان یکی از دقیق‌ترین ابزارهای پی بردن به هویت افراد در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی استفاده فراوانی می‌شود و این خود نشانی از قدرت خدا است که سر انگشت میلیاردها انسان را به‌گونه‌ای خلق کرده است که هیچ شباهتی با یکدیگر ندارند. خداوندی که از چنین قدرتی برخوردار است، قطعاً قادر به بازگرداندن حیات به انسان‌ها نیز هست.

(سوره قیامت آیات ۳ و ۴)

«نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم، بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم.»

پیام‌ها: اثبات امکان معاد با اشاره به قدرت نامحدود خداوند

۳. اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک **جریان رایج** در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه **جریان همیشگی** تبدیل زندگی به مرگ و بالعکس، در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند.
لـ فرا رسیدن بهار، **رستاخیز طبیعت** است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

(سوره فاطر آیه ۹)

«خداست که **بادها** را می‌فرستد تا **ابر** را برانگیزند. سپس آن را به سوی **سرزمینی مرده** برانیم و آن زمین مرده را **بدان [وسیله]** پس از مرگش **زندگی بخشیدیم**.
زنده شدن **قیامت** نیز همین‌گونه است.»

پیام‌ها: اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (رستاخیز طبیعت) از دلایل امکان معاد

ب دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند

قرآن نه تنها معاد را **امری ممکن** می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز **امری ضروری** و واقع نشدن آن را **امری محال و ناروا** معرفی می‌کند.

۱. معاد لازمه حکمت الهی

خداوند **حکیم** است و **لازمه حکمت** خدا این است که هیچ کاری از کارهای او **بیهوده و عبث** نباشد.
اگر خداوند **تمایلات** و **گرایش‌هایی** را در **درون انسان** قرار داده، **امکانات پاسخگویی** به آن تمایلات و نیازها را نیز در **عالم خارج** قرار داده است؛ به‌طور مثال، در مقابل احساس **تشنگی** و **گرسنگی**، **آب** و **غذا** را آفریده تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم.
حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که **گرایش به بقا و جاودانگی** دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای **حفظ بقای خود** انجام می‌دهد.

همچنین هر انسانی خواستار **همه کمالات و زیبایی‌هاست** و این خواستن هیچ **حدی** ندارد.

اما دنیا و عمر **محدود** انسان‌ها پاسخگوی این‌گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید **جای دیگری** (سرای آخرت) باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی **جاوید** را در وجود انسان قرار داده و سپس او را درحالی که **مشتاق حیات ابدی** است، نابود می‌کند! آیا این کار با **حکمت** خداوند سازگار است؟
علاوه بر این، اگر بناست با این همه **استعدادها و سرمایه‌های مختلفی** که خداوند در وجود ما قرار داده است، **خاک** شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که **دلیل** آفریدن این استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس آفرینش انسان و جهان **بی‌هدف و عبث** نخواهد بود؟

(سوره نساء آیه ۸۷)

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾

آیا پنداشته‌اید که **بیهوده** شما را آفریدیم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

پیام‌ها: معاد لازمه حکمت الهی (ضرورت معاد براساس حکمت الهی)

۲. معاد لازمه عدل الهی

عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد.
از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه **استحقاق** دارد برساند و حق کسی را **ضایع** نکند.
اقتا زندگی انسان در دنیا به‌گونه‌ای است که **امکان تحقق** این وعده را نمی‌دهد؛ زیرا:



الف. در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند.

ل. به عنوان نمونه:

ل. چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند.

ب. این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد.

ل. به عنوان نمونه:

ل. چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به‌عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ‌عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانباز برابری نمی‌کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

(سوره‌س آیه ۲۸)

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾

آیا ما آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند با مفسدان یکسان قرار خواهیم داد؟ آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟

پیام‌ها: معاد لازمه عدل الهی (ضرورت معاد براساس عدل الهی)

تذکره: با اندیشه در ترجمه آیات زیر، برخی دیگر از دلایل انکار معاد را بیان کنید.

آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می‌کردند و می‌گفتند: «هنگامی که ما مردیم و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!»

وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان، همان‌ها که روز جزا را انکار می‌کنند. تنها کسی آن را انکار می‌کند که متجاوز و گناهکار است. (سوره‌مطففین، آیات ۱۳-۱۴)

(انسان شک در وجود معاد ندارد) بلکه [علت انکارش این است که] او می‌خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند. (سوره‌قیامت، آیه ۵)

پاسخ ۱: سرگرم کامرانی و سرمستی از نعمت‌ها (ناز پروردگی) و اصرار در انجام دادن گناهان کبیره ۲: تجاوز کاری و گناهکاری ۳: اصرار در بدکاری و فساد

انریشه و تحقیق: ۱: تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.

پاسخ کارهای نیک: شهادت در راه خدا، وقف زندگی خود برای فقرا، سفر به مناطق محروم جهت کمک‌های علمی و رفاهی، خدمت به انسان‌ها و ... گناهان: ظلم به دیگران، قتل تعدادی انسان، مانع قرار دادن در مسیر رشد دیگران و ...

۲: اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می‌پذیرفتید؟ به چه دلیل؟

پاسخ بله: با توجه به بزرگی خطر احتمالی و بنا بر قاعده عقلی «دفع خطر احتمالی لازم است» حتماً آن را جدی گرفته و می‌پذیرفتیم.

۲: رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه‌های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت وجود معاد» را توضیح دهید.

پاسخ انسان دارای استعدادهای نامحدود مادی و معنوی است. از طرفی می‌دانیم خداوند حکیم است و هیچ کاری را بیهوده و عبث انجام نمی‌دهد، پس ممکن نیست که همه این استعدادها در وجود انسان با مرگ او نابود شوند. این با حکمت خداوند در تضاد است.

سؤالات امتحانی

● بخش اول: اهمیت و ضرورت بحث از معاد - دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارد ● ●

آیات و احادیث

۲۶۵. با توجه به آیه شریفه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» به سؤالات زیر پاسخ دهید.
الف) آیه شریفه را ترجمه کنید.

ب) این آیه به چه دلیلی وقوع معاد را بی‌تردید می‌داند؟

۲۶۶. آیه شریفه «نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم، بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم»
الف) خطاب به چه کسانی است؟

ب) آیه فوق مربوط به کدام استدلال قرآنی درباره معاد است؟

ج) به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سر انگشتان اشاره می‌کند؟

۲۶۷. این آیه شریفه که می‌فرماید: «و برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که...» مربوط به کدام استدلال قرآنی درباره معاد است؟

۲۶۸. آیه شریفه «خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمین مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زنده می‌بخشیدیم» مربوط به کدام استدلال قرآنی درباره معاد است؟

سؤالات درست و نادرست

۲۶۹. داستان حضرت عَزِيز (ع)، دربارهٔ امکان معاد است.
۲۷۰. بعيد بودن چیزی برای انسان دلیلی بر غیرممکن بودن آن است.
۲۷۱. پیامبران ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی، سرلوحهٔ دعوت خود قرار داده‌اند.
۲۷۲. اگر شخصی دیوانه یا دروغگو، خبر از وجود سمی در غذای ما می‌دهد، این اعلام خطر را نادیده می‌گیریم.
۲۷۳. استدلال‌های ضرورت معاد، معاد را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌سازد.

سؤالات جای خالی

۲۷۴. پیامبران الهی مرگ را گذرگاهی به _____ در جهان آخرت می‌دانند.
۲۷۵. _____ عاقل‌ترین و راستگوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند و آنان با قاطعیت کامل از _____ خبر داده‌اند.
۲۷۶. در قرآن کریم بعد از _____ دربارهٔ هیچ موضوعی به اندازهٔ معاد سخن گفته نشده است.
۲۷۷. پیامبران پس از ایمان به خدا، _____ را مطرح کرده‌اند.
۲۷۸. _____ لازمهٔ ایمان به خداست.
۲۷۹. «و برای ما مثلی زد، درحالی که _____ خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟»

کشف ارتباط

۲۸۰. هر یک از عبارات قسمت اول را به عبارت متناسب در قسمت دوم وصل کنید. (یک مورد اضافی است).
- | | | |
|--|---|----------------------------------|
| الف) می‌دانم که خدا بر هر کاری تواناست. | • | ۱) عَزِيز پیامبر قوم بنی‌اسرائیل |
| ب) «لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» | • | ۲) رستاخیز طبیعت |
| ج) او به هر خلقتی داناست. | • | ۳) دفع خطر احتمالی |
| د) زنده شدن در قیامت نیز چنین است. | • | ۴) قطعی‌ترین خبر |
| | • | ۵) آفرینش نخستین انسان |

سؤالات کوتاه پاسخ

۲۸۱. سرلوحهٔ دعوت پیامبران چه چیزی بوده است؟
۲۸۲. در مقابل دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، مردم چند گروه می‌شوند؟
۲۸۳. اگر به فرض، در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر آن چیست؟
۲۸۴. آیا قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت کرده است؟
۲۸۵. انسان‌ها در مواقع خطر از کدام قانون عقلی پیروی می‌کنند؟
۲۸۶. قرآن کریم، یکی از انگیزه‌های انکار معاد را چه چیزی معرفی کرده است؟
۲۸۷. حضرت عَزِيز (ع) پس از چند سال دوباره زنده شد و پس از زنده شدن چه چیزهایی همراهش سالم بوده و چه چیزهایی از بین رفته بود؟

تعریف اصطلاح

۲۸۸. امکان معاد:
۲۸۹. ضرورت معاد:
۲۹۰. ضرورت دفع خطر احتمالی:
۲۹۱. استدلال‌های «امکان» معاد:

سؤالات دوگزینه‌ای

۲۹۲. استدلال‌های قرآن دربارهٔ معاد _____ دسته‌اند و _____ به ممکن و شدنی بودن آن اشاره دارد.
- الف) دو - نظام مرگ و زندگی در طبیعت
ب) سه - عدالت الهی
۲۹۳. عبارات «می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست» و «محال و ناروا بودن عدم وقوع قیامت» به ترتیب مربوط به کدام یک از موضوعات زیر است؟
- الف) زنده شدن مردگان - ضرورت معاد
ب) نظام مرگ و زندگی در طبیعت - امکان معاد

سؤالات سه‌گزینه‌ای

۲۹۴. عبارت شریف «... وَ مَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» مضمون کدام بیت را تأیید می‌نماید؟

- ۱) تو را چندین پیمبر کرده آگاه که خواهد بود کاری صعب بر راه
- ۲) دوست نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم
- ۳) ای دوست شکر بهتر یا آن‌که شکر سازد خوبی قمر بهتر یا آن‌که قمر سازد

۲۹۵. مفهوم کدام آیه شریفه، استدلالی بر این است که معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؟

- ۱) «برای ما متلی زد، درحالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود.»
- ۲) «آیا گمان کردید به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید و شما را بیهوده آفریده‌ایم؟»
- ۳) «آیا ما آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند با تباهاکاران یکسان قرار خواهیم داد؟»

۲۹۶. از دقت و توجه در کدام موارد، امکان معاد فهمیده می‌شود؟

- ۱) گرایش به بقا و جاودانگی - پیدایش نخستین انسان در آغاز خلقت
- ۲) پاداش اعمالی مانند شهادت - مجازات استغاده از سلاح کشتار جمعی
- ۳) ماجرای عذیر نبی(ع) - فرا رسیدن بهار در طبیعت پس از گذر از زمستان

۲۹۷. کدام آیه شریفه، بیانگر مهم‌ترین خبری است که انبیا درباره آینده بشر آورده‌اند؟

- ۱) «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»
- ۲) «مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»
- ۳) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»

۲۹۸. خداوند متعال در مورد کدام موضوع می‌فرماید: «وَمَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»؟

- ۱) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»
- ۲) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ»
- ۳) «أَمْ تَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»

۲۹۹. آیه شریفه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...» چه دلیلی را برای نبودن هیچ شکی در مورد قیامت بیان نموده است؟

- ۱) «وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»
- ۲) «وَمَنْ أَصْدَقَ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»
- ۳) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا»

۳۰۰. از آیه شریفه «خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزد. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش

زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز چنین است.» پاسخ به کدام اشکال دریافت می‌گردد؟

- ۱) بعید شمردن مرگ و زنده شدن انسان‌ها و بعثت آن‌ها در عالم برزخ
- ۲) عدم تحقق آرزوهای دنیاپرستان که با هدف قرار دادن دنیا ایجاد شده بود.
- ۳) بعید شمردن معاد جسمانی از سوی کسانی که مرگ را پایان زندگی تلقی می‌کنند.

۳۰۱. از آیه شریفه ۹ سوره فاطر «خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان وسیله

پس از مرگش زندگی بخشیدیم، زنده شدن قیامت نیز چنین است.» اثبات با توجه به مفهوم می‌گردد.

۱) امکان معاد - علم نامحدود خداوند

۲) امکان معاد - نظام مرگ و زندگی در طبیعت

۳) ضرورت معاد - علم و حکمت نامحدود خداوند

پاسخ کامل (تشریحی)

۳۰۲. آیا پیامبران الهی فقط امکان وجود جهان دیگر را اثبات می‌کردند؟

۳۰۳. استدلال‌های قرآن کریم برای اثبات وقوع قیامت را به چند دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد؟ توضیح دهید.

۳۰۴. دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند را نام ببرید.

۳۰۵. یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای دست به انکار معاد بزنند چیست؟ توضیح دهید؟

۳۰۶. با ذکر مثال توضیح دهید قانون عقلی «دفع خطر احتمالی» چه کمکی به فهم اهمیت وقوع معاد می‌کند؟

۳۰۷. اشاره قرآن به «پیدایش نخستین انسان» چگونه استدلالی در اثبات معاد است؟ توضیح دهید.

۳۰۸. به چه دلیل قرآن کریم به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان اشاره می‌کند؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

۳۰۹. قرآن کریم چگونه با اشاره به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» امکان معاد را اثبات می‌کند؟ توضیح دهید.



بخش دوم: دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند

آیات و احادیث

۳۱۰. آیه شریفه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» به کدام استدلال درباره معاد اشاره دارد؟
۳۱۱. باتوجه به آیه شریفه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(الف) ترجمه آیه را بنویسید.
(ب) این آیه، مربوط به کدام استدلال قرآن کریم درباره معاد است؟
۳۱۲. با اندیشه و تدبر در آیات قرآن، برخی از دلایل انکار معاد را بیان کنید.

سؤالات درست و نادرست



۳۱۳. گرایش به بقا و جاودانگی اشاره به ضرورت معاد بر اساس عدل الهی دارد.
۳۱۴. رسیدن هرکس به آنچه استحقاق دارد مربوط به ضرورت معاد بر اساس عدل الهی است.
۳۱۵. بسیاری از کارهایی که انسان برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد، اشاره به ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی دارد.
۳۱۶. اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی اش برساند، بر نظام حکیمانه خداوند ایراد وارد می‌شود.
۳۱۷. طبق آیات قرآن کریم، علت انکار معاد توسط برخی انسان‌ها، ترس ایشان از معاد است.
۳۱۸. اشاره به استحقاق انسان‌ها در این دنیا و میل ایشان به بقا، ناظر بر استدلال حکمت الهی برای ضرورت معاد است.

سؤالات جای خالی

۳۱۹. خداوند وعده داده که هرکس را به آنچه _____ برساند.
۳۲۰. دوزخیان پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر _____ اصرار می‌کردند.
۳۲۱. قرآن کریم یکی از انگیزه‌های انکار معاد را _____ معرفی می‌کند.
۳۲۲. هر انسانی خواستار _____ و _____ است و این خواستن هیچ حدی ندارد.
۳۲۳. اگر خداوند _____ و _____ را در موجودات قرار داده است، امکانات پاسخگویی به آن‌ها را در درون موجودات قرار داده است.

کشف ارتباط

۳۲۴. موارد مرتبط را به هم وصل کنید. (یک مورد اضافی است)

- | | | | |
|---------------------------------|---|--------------------------|---|
| (الف) عدم تساوی نیکوکار و بدکار | ○ | (۱) ضرورت معاد | ○ |
| (ب) لازمه حکمت | ○ | (۲) لزوم دفع خطر احتمالی | ○ |
| (ج) قانون عقلی | ○ | (۳) امکان معاد | ○ |
| (د) رستاخیز طبیعت | ○ | (۴) کار بیهوده نکردن | ○ |
| | | (۵) وقوع معاد | ○ |

سؤالات کوتاه پاسخ

۳۲۵. دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند را نام ببرید.
۳۲۶. ازمه حکمت خداوند چیست؟
۳۲۷. در چه صورتی بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد است؟

تعریف اصطلاح

۳۲۸. حکیم:
۳۲۹. عادل:

سؤالات دو گزینه‌ای

۳۳۰. مفاهیم «پیش‌بینی پاسخ مناسب»، «ضایع نکردن حق کسی» و «عبث و بیهوده نبودن»، به ترتیب مربوط به _____، _____ و _____ از استدلال‌های قرآن کریم درباره معاد است.
(الف) ضرورت - ضرورت - ضرورت
(ب) امکان - ضرورت - امکان
۳۳۱. پاسخ به گرایش به بقا و جاودانگی در انسان که حکایت از _____ نظام آفرینش دارد، دلیلی است بر _____ معاد.
(الف) عادلانه بودن - امکان
(ب) حکیمانه بودن - ضرورت

سؤالات سه گزینه‌ای

۳۳۲. پاسخ به کسانی که می‌گویند: «ما هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا» در کدام عبارت، بیان شده است؟

(۱) «و نفس و ما سواها فاللهنَّها فُجورها و تقواها»

(۲) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

(۳) «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ»

۳۳۳. از اینکه یادش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان‌پذیر نیست: چه چیزی فهمیده می‌شود و پیام کدام آیه شریفه، حاکی از آن است؟

(۱) ضرورت معاد در پرتو عدل الهی - «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»

(۲) امکان معاد در پرتو حکمت الهی - «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»

(۳) ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی - «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»

۳۳۴. از دقت در پیام کدام آیه شریفه، به عبارت «اقتضای عدل الهی وجود جهاتی به نام آخرت است تا انسان‌ها به آنچه استحقاقش را دارند، برسند» پی می‌بریم؟

(۱) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

(۲) «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»

(۳) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا»

۳۳۵. از دقت در پیام آیه شریفه «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» و آیه شریفه «خداست که باده‌ها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را در سرزمین‌های مرده

برانیم و زمین مرده را به آن زنده کنیم» به ترتیب و برای رستخیز، مفهوم می‌گردد که عادلانه بودن نظام آفرینش، پیام آیه _____ است.

(۱) ضرورت - امکان - نخست (۲) امکان - ضرورت - دوم (۳) ضرورت - امکان - دوم

۳۳۶. از دیدگاه‌های انبیای الهی، لازمه ایمان به خدا، ایمان به _____ است و پیش‌بینی پاسخ مناسب برای تمایلات، لازمه _____ الهی است که پیامش، _____

تحقق رستخیز است.

(۱) آخرت - عدل - امکان (۲) نبوت - حکمت - ضرورت (۳) آخرت - حکمت - ضرورت

۳۳۷. از دقت در پیام کدام آیه، به تحقق امری از راه طرح استفهام انکاری، پی می‌بریم؟

(۱) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ»

(۲) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

(۳) «وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا نَأْتِيهِم بِالْآخِرَةِ لَهَيْ الْخِيَانِ»

۳۳۸. آنجا که «اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در موجودات قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش‌بینی کرده است» و آنجا که «محدودیت دنیا، مانع وصول چنین افرادی

به یادش در خورشان می‌شود»، به ترتیب معاد در پرتو _____ و _____ مفهوم می‌گردد که آیه شریفه «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» حاکی از امر _____ است.

(۱) ضرورت - حکمت - عدل - دوم (۲) امکان - حکمت - عدل - دوم (۳) ضرورت - عدل - حکمت - نخستین

پاسخ کامل (تشریحی)

۳۳۹. در چه صورتی این سؤال برای انسان مطرح می‌شود که دلیل آفریدن استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟

۳۴۰. استدلال کنید که چرا معاد لازمه حکمت الهی است؟

۳۴۱. باتوجه به این که خداوند گرایش به بقا و جاودانگی را در وجود انسان قرار داده است، چگونه می‌توان ضرورت معاد را اثبات کرد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.

۳۴۲. ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟

۳۴۳. توضیح دهید که چرا زندگی انسان در دنیا، امکان تحقق عدل الهی را نمی‌دهد؟ (ضرورت معاد براساس عدل الهی را توضیح دهید.)

یک گام فراتر

۳۴۴. کدام عبارت، بر ضرورت معاد استدلال نموده و این ضرورت، ریشه در کدام یک از صفات الهی دارد؟

(الف) «وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ» - حکمت الهی

(ب) «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» - عدل الهی

۳۴۵. دقت در وجود تمایلات و گرایش‌های مختلف در وجود انسان پاسخ کدام سؤال را برای او روشن می‌سازد؟

(۱) «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

(۲) «هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ»

(۳) «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»



تألیفی نوبت اول		سؤالات امتحانی نوبت اول	
تاریخ: / /	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	رشته: ریاضی و تجربی	درس: دین و زندگی (دهم)

ردیف	سؤالات	نمره
۱	الف) با توجه به آیات قرآن و احادیث پاسخ دهید. با توجه به آیه شریفه «مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِثْ إِلَى ثَوَابِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» چگونه می‌توان با انتخاب یک هدف، به هدف‌های دیگر نیز در زندگی دست یافت؟	۱
۲	آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا» در مورد کدام یک از ویژگی‌های انسان است؟	۰/۵
۳	آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» بیانگر کدام استدلال قرآن کریم در زمینه اثبات معاد است؟	۰/۵
۴	سخن پیامبر (ص) که می‌فرماید: «الْإِنْسَانُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا» بیانگر چه دیدگاهی در مورد زندگی دنیوی و اخروی می‌باشد؟	۰/۵
۵	با توجه به آیه شریفه «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» به کدام یک از شاهدان و گواهان روز قیامت اشاره دارد؟	۰/۵
۶	ب) درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را مشخص کنید. اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی نمی‌شوند.	۰/۲۵
۷	بعد جسمانی مانند سایر اجسام در حال تغییر و دگرگونی است و بعد روحانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و متلاشی نمی‌شود.	۰/۲۵
۸	با مرگ انسان و ورود به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع می‌شود.	۰/۲۵
۹	برپاشدن دادگاه عدل الهی، از اعمال دومین رویداد مرحله دوم قیامت است.	۰/۲۵
۱۰	ج) جملات زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید. قرآن کریم عامل سرزنش و ملامت انسان در مقابل گناه و زشتی را نامیده و به آن سوگند خورده است.	۰/۵
۱۱	پیامبران الهی مرگ را گذرگاهی به سوی در جهان آخرت می‌دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را در کنار سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند.	۰/۵
۱۲	آثار و نتایج برخی اعمال که محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می‌شود، آثار نام دارد.	۰/۵
۱۳	نامه‌های این دنیا صرفاً از عمل است، اما نامه عمل انسان در قیامت به گونه‌ای است که عمل را در بردارد.	۰/۵
۱۴	د) به سؤال‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. این که خداوند آن چه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آن‌ها را در وجود او قرار داده، نشان‌دهنده چیست؟	۰/۵
۱۵	از دیدگاه خداپرستان مرگ برای چه کسانی ناگوار است؟	۰/۵
۱۶	چرا زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق وعده الهی را نمی‌دهد؟ دو دلیل بیاورید.	۰/۵
۱۷	دو مورد از ویژگی‌های عالم برزخ را نام ببرید.	۰/۵
۱۸	وقتی فرشتگان از احوال ظالمان می‌پرستند، آن‌ها چه پاسخی به فرشتگان می‌دهند؟	۰/۵
۱۹	منشأ تفاوت در اهداف انسان‌ها چیست؟	۰/۵
۲۰	چرا بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند و نتیجه آن چیست؟	۰/۵
۲۱	ه) اصطلاحات زیر را تعریف کنید. نفس اماره:	۱
۲۲	توقی:	۱



تألیفی نوبت اول

سؤالات امتحانی نوبت اول

تاریخ: / /

مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

رشته: ریاضی و تجربی

درس: دین و زندگی ۱ (دهم)

۱	<p>و) کشف ارتباط</p> <p>۲۳ هر یک از موارد ستون سمت راست را به مورد متناسب در ستون سمت چپ ارتباط دهید. (یک مورد اضافی است.)</p> <p>الف) در هم پیچیدن و تاریکی خورشید <input type="radio"/></p> <p>ب) اتفاقی ناگهانی و غافلگیرکننده <input type="radio"/></p> <p>ج) شاهد ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها <input type="radio"/></p> <p>د) فراموشی فرزند توسط مادر شیرده <input type="radio"/></p> <p>۱) شنیده شدن صدای مهیب <input type="radio"/></p> <p>۲) تغییر در ساختار آسمان و زمین <input type="radio"/></p> <p>۳) زنده شدن همه انسان‌ها <input type="radio"/></p> <p>۴) برترین الگوها و اسوه‌ها <input type="radio"/></p> <p>۵) عظمت قیامت <input type="radio"/></p>
۰/۲۵	<p>۲۴ ز) گزینه درست را انتخاب کنید.</p> <p>یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای دست به انکار معاد بزنند، کدام است؟</p> <p>۱) چنان واقعه بزرگی را با قدرت محدود خود می‌ستجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، به انکار آن می‌پردازند.</p> <p>۲) برای تمایلات و گرایش‌هایی که در وجود خود می‌یابند، پاسخ مناسبی نمی‌بینند. در نتیجه وقوع معاد را امری محال می‌دانند.</p>
۰/۲۵	<p>۲۵ کدام یک دیدگاه معتقدان به معاد می‌باشد؟</p> <p>۱) با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند.</p> <p>۲) مرگ را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند.</p>
۱	<p>۲۶ ج) به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.</p> <p>تفاوت‌هایی که در چگونگی رسیدن انسان به هدف، با موجوداتی همچون حیوان و گیاه وجود دارد را بیان می‌کند؟ (ذکر دو مورد کافی است.)</p>
۱	<p>۲۷ پیامدهای انکار معاد را بنویسید.</p>
۱	<p>۲۸ «اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت» را که یکی از استدلال‌های امکان معاد می‌باشد، با ذکر آیه‌ای از قرآن توضیح دهید.</p>
۱	<p>۲۹ مقصود از «کنار رفتن پرده از حقایق عالم» در قیامت چیست و چگونه رخ می‌دهد؟</p>
۱/۵	<p>۳۰ راه‌های فریب انسان توسط شیطان را نام ببرید.</p>
۱/۵	<p>۳۱ وجود ارتباط برزخ با دنیا و نشانه‌های آن را توضیح دهید.</p>
۲۰	<p>جمع بارم</p>





۲۵۴. گزینه ۱: آثار و پیامدهای انکار معاد، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی آن‌ها تبدیل نشده است، می‌گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

۲۵۵. گزینه ۱: آیه «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» بیانگر این است که کافران گفتند تمام زندگی انسان در همین دنیا خلاصه می‌شود و سبب مرگ و زندگی انسان چیزی جز همین دنیا (دهر) نیست.

۲۵۶. گزینه ۲: دقت کنید که به جز گزینه ۲، تمامی پیامدها مثبت بیان شده است و از این جهت صحیح نمی‌باشند.

۲۵۷. گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می‌شود و حیات او پایان می‌یابد و رهسپار نیستی می‌گردد.

۲۵۸. از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی‌نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می‌کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هر کاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند. روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرورفتن در گرداب آلودگی‌ها نخواهد داشت.

۲۵۹. گروهی دیگر که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چند روزه نیز برایشان بی‌ارزش می‌شود. در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شوند و شادایی و نشاط زندگی خود را از دست می‌دهند: از دیگران کناره می‌گیرند و به انواع بیماری‌های روحی دچار می‌شوند. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه‌هایی قدم می‌گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می‌افزاید.

۲۶۰. زیرا اعتقاد این افراد به معاد، به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارند.

۲۶۱. خیر، نباید از آن چه واقعی است و حتماً اتفاق خواهد افتاد، فرار کرد؛ زیرا فرار از آن معنا ندارد. فرار از مرگ همان به سوی آن رفتن است. علاوه بر این فرار از مرگ سبب می‌شود که انسان خودش را برای آن آماده نکند و در وقت مواجهه با مرگ زبان ببیند. آن هم یک زیان دائمی که قابل جبران نیست.

۲۶۲. منکران معاد - خداوند

۲۶۳. رسول خدا (ص): «الناس نيامٌ فإذا ماتوا انتبهوا؛ مردم در (در این دنیا) خواب‌اند، هنگامی که بمیرند، بیدار می‌شوند.» این حقیقت که بیانگر ترجیح عالم پس از مرگ بر دنیاست در آیه قرآن نیز ذکر شده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَّلَعِبٌ وَّ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». «این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است، اگر می‌دانستند.»

۲۶۴. آیه ذکر شده در مورد «الف» در پی بیان این نکته است که حیات واقعی در آخرت رقم می‌خورد و دنیا در برابر آن بازیچه‌ای بیش نیست.

پاسخ سؤالات درس ۴

۲۶۵. الف: خداوند کسی است که هیچ خدایی جز او نیست. او قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند که شکی در [وقوع] آن نیست، و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است؟ ب: به دلیل راستگویی خداوند.

۲۶۶. الف: به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند. ب: امکان معاد و به قدرت نامحدود الهی اشاره دارد. ج: زیرا خطوط سر انگشتان هیچ انسانی با دیگری یکسان نیست و این خود نشانی از قدرت خداست که سر انگشت میلیاردها انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که هیچ شباهتی با دیگری ندارد. خداوندی که از چنین قدرتی برخوردار است قطعاً قادر به بازگرداندن حیات به انسان‌ها نیز هست.

۲۳۰. مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام یک از شما کراحت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟

۲۳۱. با این دیدگاه پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می‌شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می‌گیرد. چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همتی خستگی‌ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هر چه بیش‌تر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۲۳۲. انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خیر: نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

۲۳۳. الف: دیدگاه منکران معاد ب: گذشت روزگار - خیر این سخن را از روی علم نمی‌گویند بلکه فقط ظن و خیال آنان است. ج: کافران

۲۳۴. منکرین معاد - منکرین معاد

۲۳۵. نادرست: این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی آنان تبدیل نشده است، می‌گیرد.

۲۳۶. درست

۲۳۷. درست

۲۳۸. نادرست: این ویژگی مختص منکران معاد است.

۲۳۹. درست

۲۴۰. بی‌نهایت طلب - جاودانگی

۲۴۱. هوس‌ها - یاد آخرت

۲۴۲. جسم و تن

۲۴۳. تسکین

۲۴۴. الف: ۵ ب: ۴ ج: ۱ د: ۲

۲۴۵. این افراد خود را به هر کاری سرگرم می‌کنند تا آینده تلخی را که در انتظار دارند فراموش کنند.

۲۴۶. مرگ، پایان زندگی است. ۲۴۷. میل به جاودانگی

۲۴۸. خیر، این آسیب گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می‌گیرد.

۲۴۹. گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می‌بندند.

۲۵۰. آیه به دیدگاه انکار معاد اشاره می‌کند که براساس آن، منکران مرگ را فقط به گذشت روزگار نسبت می‌دهند.

۲۵۱. الف: خداوند در آیه ۲۴ سوره جاثیه در مورد ادعای کافران که می‌گویند: «مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»: «و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.» می‌فرماید: «وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ»: «البته این سخن را از روی علم نمی‌گویند.»

۲۵۲. گزینه ۲: برخی معتقدین به معاد به دلیل اینکه این اعتماد تبدیل به ایمان و یقین قلبی نشده و فریفته دنیا و دل بسته به آن نشده‌اند، دارای عملکردی شبیه منکران معادند. البته ایشان زندگی پس از مرگ را انکار نمی‌کنند اما از خداوند و آخرت غافل‌اند و در نهایت دچار سرگردانی و فرورفتن در آلودگی‌ها می‌شوند.

رقت کنید: پیروی از «ظن و گمان» در قرآن کریم برای منکران معاد به کار رفته است نه معتقدان غافل

۲۵۳. گزینه ۲: بررسی گزینه‌ها: ۱. اصلاً غرض عبارت «وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»، این موضوع نیست. عبارت در مورد عامل و اراده اصلی در مرگ جسم است و ربطی به گذر زمان زندگی انسان ندارد. ۲. غرض مشرکان از این عبارت این است که خداوند ما را بیپوده آفریده و گذر روزگار ما را نابود می‌کند و این گزینه درست است. ۳. متلاشی شدن فقط مخصوص جسم است نه روح.

۲۹۷. گزینه «۳» مهم‌ترین خبری که انبیا برای مردم آورده‌اند، خبر از معاد و وقوع جهان آخرت است. در گزینه «۳» به‌طور کاملاً واضح به وقوع قیامت اشاره شده است. (لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)

۲۹۸. گزینه «۲» عبارتی که در صورت سؤال آمده، انتهای آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» است.

۲۹۹. گزینه «۲» در آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» خداوند برای اثبات حتمیت معاد به صداقت خویش تکیه کرده است و بدون اینکه استدلالی به میان آورد تنها به خبر دادن از معاد اکتفا کرده است.

۳۰۰. گزینه «۲» آیه صورت سؤال امکان معاد را ثابت می‌کند و در واقع بعید شمردن معاد جسمانی را مردود اعلام می‌کند. منکران معاد، مرگ را بعید نمی‌شمرند. (رد گزینه ۱)

۳۰۱. گزینه «۲» آیه‌ای که در صورت سؤال مطرح شده است به امکان معاد با توجه به «نظام مرگ و زندگی در طبیعت» اشاره دارد.

۳۰۲. خیر، نه تنها امکان وجود جهان دیگر را اثبات می‌کردند، بلکه با استدلال‌های مختلف وجود آن را ضروری می‌دانستند.

۳۰۳. به دو دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد. دسته اول: دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می‌کنند و آن را از حالت امری بعید و غیر ممکن خارج می‌سازد و دسته دیگر: دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می‌رسانند.

۳۰۴. ۱. اشاره به پیدایش نخستین انسان ۲. اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان ۳. اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

۳۰۵. این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، به انکار آن می‌پردازند. در حالی که بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست.

۳۰۶. انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، که در شرایط عادی گفته‌او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سمی در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است.» پیامبران که عاقل‌ترین و راستگوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند، با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. اگر به فرض در اثبات معاد هیچ دلیل دیگری جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، بر اساس قانون عقلی «دفع خطر احتمالی، لازم است»، باید در اعمال خود احتیاط کنیم و آن را جدی بگیریم.

۳۰۷. از دلایل امکان معاد می‌باشد. در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می‌کند و توانایی خود در آفرینش آن را تذکر می‌دهد. در این آیات بیان می‌شود که همان‌گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می‌تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

۳۰۸. قرآن کریم برای این که قدرت خدا را به صورت محسوس‌تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آن‌ها به اراده خداوند مردگانی زنده شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ماجرای عزیر نبی (ع) اشاره کرد که خداوند ایشان را بعد از صد سال دوباره زنده کرد و این مورد یکی از دلایل امکان معاد است.

۳۰۹. در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

۳۱۰. ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی

۳۱۱. آیا ما آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند با مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟ آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟ ب. ضرورت معاد بر اساس عدل الهی

۲۶۷. امکان معاد - با اشاره به پیدایش نخستین انسان

۲۶۸. امکان معاد - اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

۲۶۹. درست

۲۷۰. نادرست: بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست.

۲۷۱. درست

۲۷۲. نادرست: در این شرایط احتیاط کرده و اعلام خطر را می‌پذیریم.

۲۷۳. نادرست: این تعریف استدلال‌های امکان معاد است.

۲۷۴. حیات برتر ۲۷۷. ایمان به آخرت

۲۷۵. پیامبران - وقوع معاد ۲۷۸. ایمان به آخرت (معاد)

۲۷۶. یکتاپرستی (توحید) ۲۷۹. آفرینش نخستین

۲۸۰. الف ۱ ب ۴ ج ۵ د ۵

۲۸۱. ایمان به زندگی در جهان دیگر، در کنار توحید و یکتاپرستی

۲۸۲. مردم دو دسته می‌شوند: گروهی به آن ایمان آورده و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده‌اند.

۲۸۳. از این قانون عقلی پیروی کنیم که «دفع خطر احتمالی، لازم است.»

۲۸۴. تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده، بلکه بارها با دلیل و برهان آن را ثابت کرده است.

۲۸۵. دفع خطر احتمالی لازم است. ۲۸۶. نشناختن قدرت خدا.

۲۸۷. پس از صد سال - غذای ایشان پس از صد سال سالم مانده و فاسد نشده بود ولی الاغ ایشان پوسیده و متلاشی شده بود.

۲۸۸. معاد امری ممکن و شدنی است.

۲۸۹. وقوع معاد امری ضروری و واقع نشدن آن از نظر قرآن، امری محال و نارواست.

۲۹۰. انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد.

۲۹۱. استدلال‌هایی که معاد را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌سازند.

۲۹۲. الف. استدلال‌های قرآن کریم درباره معاد، دو دسته هستند: (امکان و ضرورت) که اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت، به امکان معاد، یعنی ممکن و شدنی بودن آن اشاره می‌کند.

۲۹۳. الف. عبارت «می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست» از زبان عزیر نبی به نمونه‌ای از زنده شدن مردگان اشاره دارد و «محال و ناروا بودن عدم وقوع قیامت» بیانگر ضرورت معاد است.

۲۹۴. گزینه «۱» قرآن کریم در آیه شریفه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» وعده الهی در مورد وقوع معاد را امری حتمی بیان می‌کند. وقوع معاد در بیت «تورا چندین پیمبر کرده آگاه که خواهد بود کاری صعب بر راه» نیز با عبارت «کاری صعب» نشان داده شده است.

۲۹۵. گزینه «۱» استدلال‌های معاد یا بر محور شدنی و ممکن بودن است، یا بر محور ضرورت و حتمی بودن. در آیات شریفه ۷۸ و ۷۹ سوره یس، خداوند می‌فرماید: «برای ما مثلی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود. گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آن‌ها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی تواناست.» این آیه اشاره به امکان معاد دارد، چون صرفاً ادعای آن مطرح شده است، ولی برای آن استدلالی اقامه نشده است. آیات گزینه‌های «۲» و «۳» هر دو بیانگر ضرورت معاد هستند که به ترتیب در ارتباط با حکمت الهی و عدل الهی است.

۲۹۶. گزینه «۳» گرایش به بقا، جاودانگی و بحث مجازات یا پاداش به ترتیب حکمت و عدالت را بیان می‌کند: یعنی به دلایل ضرورت معاد اشاره دارد، نه امکان معاد. پس فقط گزینه «۳» درست است.

۳۳۸. گزینه ۱: هر جادر سؤالی از سرمایه‌ها، استعدادها، تمایلات و کمالات نامحدود انسان صحبت به میان آمد، به ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی اشاره دارد. آیه‌ای که در صورت سؤال مطرح شده است به مسئله عدل الهی و ضرورت معاد بر اساس آن اشاره دارد. ۳۳۹. اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ۳۴۰. خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در موجودات قرار داده است، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در درون موجودات قرار داده است. خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. هم‌چنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌ها است و این خواستن هیچ حدی ندارد. اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخگوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد.

۳۴۱. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در موجودات قرار داده است، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در درون موجودات قرار داده است. به‌طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده است تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنند. حال اگر به‌وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. هم‌چنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌ها است و این خواستن هیچ حدی ندارد. اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخگوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد.

۳۴۲. با توجه به آن که خداوند کار بیهوده انجام نمی‌دهد، پس قطعاً از آفرینش انسان مقصودی داشته و با قرار دادن استعدادهایی در درون او هدفی متعالی را دنبال می‌کرده است. ۳۴۳. زیرا: ۱. در این عالم همه به پاداش یا کیفر اعمال خود نمی‌رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آن که به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند. ۲. این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد. به عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

۳۴۴. یکی از دلایلی که قرآن برای ضرورت معاد بیان کرده، ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی است و آیه «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»؛ «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن‌هاست را به بازیچه نیافریدیم» خصوصاً با کلید واژه «لَاعِبِينَ» بیانگر ضرورت معاد است و این ضرورت ریشه در حکمت الهی دارد یعنی لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده نباشد. آیه «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُجَمِّعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» در خصوص قطعیت وقوع معاد است.

۳۴۵. سخن از گرایش‌ها و تمایلات انسان به معنای بحث از حکمت الهی است. چراکه اگر پاسخ این گرایش‌ها در جهان خلقت آماده نباشد، کار خداوند بیهوده است و مغایر با حکمت اوست. قرآن کریم اقدام به نفی بیهودگی از خلقت جهان هستی نموده و می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ «آیا پنداشته‌اید که بیهوده شما را آفریدیم و به‌سوی ما باز نمی‌گردید؟»

۳۱۲. ۱. سرگرم کامرانی و نازپروردگی بودن، اصرار در انجام دادن گناه ۲. تجاوزکاری و گناه‌کاری ۳. اصرار در بدکاری و گناه و فساد ۳۱۳. نادرست: گرایش به بقا و جاودانگی به ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی اشاره دارد. ۳۱۴. درست ۳۱۵. درست

۳۱۶. نادرست: اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود. ۳۱۷. نادرست: در سوره قیامت آیه ۵ می‌خوانیم علت انکار معاد این است که او می‌خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند. ۳۱۸. نادرست: استحقاق در مورد عدالت و حق انسان‌ها در دریافت پاداش یا جزای اعمال است و ربطی به حکمت ندارد.

۳۱۹. استحقاق دارد ۳۲۲. کمالات - زیبایی‌ها ۳۲۰. گناهان بزرگ ۳۲۳. تمایلات - گرایش‌هایی ۳۲۱. نشناختن قدرت خدا ۳۲۴. الف ۱ ب ۴ ج ۲ د ۳

۳۲۵. ۱. معاد لازمه حکمت الهی ۲. معاد لازمه عدل الهی ۳۲۶. این است که هیچ کاری از کارهای او، بیهوده و عبث نباشد. ۳۲۷. اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند کسی است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. ۳۲۸. عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد.

۳۲۹. عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد. ۳۳۰. الف - پیش‌بینی پاسخ مناسب برای گرایش‌های انسان - حکمت الهی - ضرورت - ضایع نکردن حق کسی - عدل الهی - ضرورت - عبث و بیهوده نبودن آفرینش - حکمت الهی - ضرورت

۳۳۱. ب. گرایش به بقا و جاودانگی از جمله گرایش‌های وجود انسان است که با توجه به حکمت خداوند، قطعاً پاسخی برای آن وجود دارد که این موضوع دلیلی است برای اثبات ضرورت معاد.

۳۳۲. گزینه ۲: آیه شریفه «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا»؛ «[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست. همواره [گروهی از ما] می‌میریم و [گروهی] زنده می‌شویم» بیانگر اعتقاد کافران مبنی بر عدم وجود معاد است که پاسخ آن، یعنی اعتقاد به معاد در آیه شریفه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»؛ «آیا پنداشته‌اید که بیهوده شما را آفریدیم و به‌سوی ما باز نمی‌گردید؟» آمده است.

۳۳۳. گزینه ۱: پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست؛ بنابراین ضرورت معاد در پر تو عدل الهی فهمیده می‌شود که پیام آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ»؛ «آیا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند را مانند بدکاران در زمین قرار می‌دهیم؟» حاکی از آن است. ۳۳۴. گزینه ۲: عدل الهی در آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» به عنوان استدلالی برای اثبات ضرورت معاد مطرح شده است.

۳۳۵. گزینه ۱: آیه اول و دوم به ترتیب به ضرورت و امکان معاد اشاره دارد و در آیه اول به ضرورت معاد بر اساس عدل الهی اشاره شده است.

۳۳۶. گزینه ۳: لازمه ایمان به خدا، ایمان به معاد است. حواستان باشد هر جا از سرمایه‌ها، استعدادها و تمایلات انسان صحبت به میان آمد، اشاره به حکمت الهی دارد. ۳۳۷. گزینه ۲: آیه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» با یک استفهام انکاری، ضرورت معاد را بر اساس حکمت الهی اثبات می‌کند.

درس چهارم

دفع خطر احتمالی

ضرورت دفع خطر احتمالی: انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و احتیاط کند.

استدلال‌های امکان معاد

- ۱ اشاره به پیدایش نخستین انسان
- ۲ اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان: ماجرای عزیر نبی(ع)، پیامبر قوم بنی‌اسرائیل
- ۳ اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت (رستاخیز طبیعت)

استدلال‌های ضرورت معاد

- ۱ حکمت الهی: خلق هر موجود برای هدف شایسته و اعطای امکانات رسیدن به آن هدف
- ۲ عدل الهی: خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

۲۰

درس پنجم

تقوا: به معنی «حفاظت» و «نگهداری» است.

انسان با تقوا: خودنگهدار و بر خود مسلط است و خود را از گناه حفاظت می‌کند؛ زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد.

امام علی(ع): «مثل انسان‌های بی‌تقوا مثل سوارکاری است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند اما مثل آدم‌های با تقوا، مثل سوارکاری است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند.»

نماز و یادارتندگی از گناه

عوامل تأثیر نماز: ۱) تداوم (استمرار) ۲) میزان دقت و توجه برخی تجلیات:

- ۱ خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۲ خون جهنده: یعنی اگر رگ آن حیوان بریده شود، خون آن می‌چهد.
- ۳ و ۴ ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.
- ۵ مردار (جسد) انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
- ۶ و ۷ سگ و خوک چه زنده و چه مرده
- ۸ کافر: کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد.
- ۹ شراب و هر مایع مستی‌آور

۲۶

دستور قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی

الف) وظیفه مردان: ۱ چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند. ۲ دامان خود را از نگاه نگه ندارند.

ب) وظیفه زنان: ۱ از نگاه به نامحرم خودداری کنند. ۲ و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند. ۳ استفاده از زینت و زیورات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند. ۴ زنان باید حجاب خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آن‌ها را هم بپوشاند.

چگونگی و نوع پوشش: تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است.

اسلام، ضمن پذیرش تنوع و گوناگونی در نوع پوشش، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند:

- ۱ تمام بدن خود را، به‌جز صورت و دست‌ها تا معج، از نامحرم بپوشانند.
- ۲ پوشش آنان نباید چسبان و تحریک‌کننده باشد.

۳۲

آثار اعمال در قرآن کریم

- ۱ آثار ماتقدم: مربوط به برخی از اعمال که محدود به دوران زندگی انسان است.
- ۲ آثار ماتأخر: مربوط به اعمالی که آثار آن بعد از مرگ نیز باقی می‌ماند.

درس ششم

مراحل وقوع قیامت

الف) مرحله اول قیامت

- ۱ شنیده شدن صدایی مهیب
- ۲ مرگ اهل آسمان‌ها و زمین
- ۳ تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها

ب) مرحله دوم قیامت

- ۱ زنده شدن همه انسان‌ها (حیات مجدد انسان‌ها)
- ۲ کنار رفتن پرده از حقایق عالم
- ۳ برپا شدن دادگاه عدل الهی
- ۴ دادن نامه اعمال
- ۵ حضور شاهدان و گواهان
- ۶ پیامبران و امامان: بهترین گواهان قیامت‌اند.
- ۷ فرشتگان الهی
- ۸ اعضای بدن انسان‌ها

۲۲

استغراخ کردن در حال روزه

به‌صورت سهوی و به خودی خود روزه را باطل نمی‌کند. اگر عمدی باشد باطل کننده روزه است.

غسل واجب در ماه رمضان

اگر عمداً تا لذان صبح غسل نکنند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکنند. نمی‌تواند روزه بگیرد. اگر سهواً انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود. می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

روزه نگرفتن

به‌علت عذری مانند بیماری. قضای همان روز تا قبل از ماه رمضان سال بعد.

اگر بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد. هم باید روزه را قضا کند و هم باید برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

۲۸

حجاب در ادیان مختلف

آیین یهود: زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند.

آیین مسیحیت: پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح(ع) می‌کوشیدند مانند حضرت مریم(ص) موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند.

بی‌حجلی زنان قرب تهنه‌تتها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح(ع) محسوب می‌شود.

در عموماً فرهنگ‌ها، پوشش زنان به‌صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که در آن زنان پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.

۳۴

محاسبه و ارزیابی

وجود انگوهایی مثل پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و از همه مهم‌تر می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید.

امام حسین(ع) (به نقل از پدر گرامی خود امام علی(ع)): «رسول خدا(ص) در منزل اوقات خود را سه قسمت می‌کرد، قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی...»

معموم بودن پیامبر(ص) و اسوه بودن ایشان

پندار نادرست: عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم

پندار درست: در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امام علی(ع): «قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش (در راه خدا) و عفت و درستکاری مریاری کنید.»

درس نهم

معیار ارزش واقعی انسان را می‌توان در شعر زیر دریافت: تا در طلب گوهر کانی کانی تا در هوس لقمه نانی نانی این نکته رمز اگر بدانی دانی هر چیز که در جستن آنی آنی

۲۴

روزه در روز حرکت یا روز برگشت

ملاک اصلی: ظهر در محل اقامت باشد.

اگر در شهر و وطن خود یا مقصد دارای اقامت بیش از ۱۰ روز باشد، روزه صحیح است.

به شرطی که بعد از سحر چیزی نخورده باشد. اگر در میان جاده (نه وطن نه مقصد) بیش از ۱۰ روز اقامت باشد، روزه باطل است.

درس یازدهم

آراستگی: به معنی مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری یا باطنی است.

رفتار و گفتار رسول(ص) و پیروایان دیگر مادر زمینه آراستگی. سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند.

مقیولیت: این که دوست داریم دیگران ما را مفید و شایسته بدانند و تحسین کنند. در واقع به معنی میل و گرایش به برانگیختن تحسین دیگران است.

۳۰

عطار نیشابوری

مثالی گویمت ظاهر، بیندیش کسی را هست جامی پر غسل پیش اگر طفلی بدو گوید بیارم که زیر این غسل زهر است در جام چو از طفل آن سخن دارد شنیده بلا شک دست از آن دارد کشیده تو را چندین بیمبر کرده آگاه که خواهد بود کاری صعب بر راه بدگفت طفل جستی راه پرهیز به گفت انبیا از خواب برخیز پیام: استدلال امکان معاد - ضرورت دفع خطر احتمالی

مولوی

تا در طلب گوهر کانی کانی تا در هوس لقمه نانی نانی این نکته رمز اگر بدانی دانی هر چیز که در جستن آنی آنی

پیام: معیار ارزش انسان

۳۶